

Submit Date: 15 January 2026

Revise Date: 04 April 2026

Accept Date: 12 April 2026

Publish Date: 21 March 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

An Examination of Political Crimes from the Perspectives of Subjectivism and Objectivism

Behdad Rahmanian¹, Mostafa Forutan^{*1}, Alireza Salehi¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Shi.c., Islamic Azad University, Shiraz, Iran

* Corresponding Author's Email: forutanmostafa@gmail.com

ABSTRACT

This article examines political crimes through the lenses of subjectivist and objectivist ideologies in Iranian law and the international community. The main research question is how these two approaches influence the definition, interpretation, and enforcement of laws related to political crimes within Iran's domestic legal system and in international legal instruments. To this end, using a comparative-analytical research method, the concepts of subjectivism and objectivism are first clarified, and then their manifestations in Iran's legal system and the international arena are analyzed. The findings indicate that subjectivist ideology places particular emphasis on the political motive of the accused. In the Iranian legal system, through the integration of Islamic ideology and civil law, this has led to definitions that are relatively dependent on political intent and governmental approaches. In contrast, objectivism, by focusing on actions and behavioral consequences, has guided international law toward tangible criteria and global standards. Ultimately, the article concludes that integrating these two approaches within domestic law, while aligning it with objective international standards, can contribute to greater clarity in the definition of political crimes and reduce related disputes.

Keywords: *Political crimes, subjectivism, objectivism, Iranian law, international law, freedom of expression, ideology.*

تاریخ ارسال: ۲۵ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۵ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۳ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی جرایم سیاسی از منظر عینی گرایی و ذهنی گرایی

بهداد رحمانیان^۱، مصطفی فروتن^۲، علیرضا صالحی^۱

۱. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: forutanmostafa@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی جرایم سیاسی از منظر ایدئولوژی‌های ذهنی گرایی و عینی گرایی در حقوق ایران و جامعه بین‌الملل می‌پردازد. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه این دو رویکرد بر تعریف، تفسیر و اجرای قوانین مرتبط با جرایم سیاسی در حقوق داخلی ایران و در اسناد بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. در این راستا، با استفاده از روش تحقیقی تطبیقی-تحلیلی، ابتدا مفاهیم ذهنی گرایی و عینی گرایی تبیین شده و سپس مصادیق آن‌ها در نظام حقوقی ایران و جامعه بین‌المللی مطالعه می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که ایدئولوژی ذهنی گرایانه، تأکید ویژه‌ای بر انگیزه سیاسی متهم دارد و در نظام حقوقی ایران، با تلفیق ایدئولوژی اسلامی و قوانین مدنی، به تعاریفی نسبتاً وابسته به نیت سیاسی و رویکردهای حکومتی انجامیده است. در مقابل، عینی گرایی با تمرکز بر اعمال و پیامدهای رفتاری، در حقوق بین‌الملل به سمت معیارهای ملموس و استانداردهای جهانی منجر شده است. در نهایت، مقاله به این نتیجه می‌رسد که تلفیق این دو رویکرد در حقوق داخلی و همسویی آن با معیارهای عینی بین‌المللی می‌تواند به شفافیت بیشتر در تعریف جرایم سیاسی و کاهش اختلافات مرتبط با آن کمک کند.

کلیدواژگان: جرایم سیاسی، ذهنی گرایی، عینی گرایی، حقوق ایران، حقوق بین‌الملل، آزادی بیان، ایدئولوژی.

مقدمه

جرایم سیاسی به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم حقوقی، همواره تحت تأثیر ایدئولوژی‌های حاکم بر نظام‌های حقوقی قرار داشته‌اند. در ایران، تعریف و برخورد با این جرایم، با تلفیق فقه اسلامی و قوانین مدنی، به سمت ذهنی‌گرایی (تأکید بر نیت و انگیزه سیاسی) گرایش دارد، در حالی که حقوق بین‌الملل، با محوریت اسنادی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، رویکردی عینی‌گرایانه (تمرکز بر اعمال ملموس) را دنبال می‌کند. این تقابل ایدئولوژیک، مسئله اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد: «چگونه ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی در تعریف، تفسیر و اجرای قوانین جرایم سیاسی در حقوق ایران و جامعه بین‌الملل تأثیرگذارند و چه پیامدهایی برای عدالت و حقوق بشر دارند؟ تفاوت‌های ایدئولوژیک ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی در تعریف جرایم سیاسی در حقوق ایران و بین‌الملل چیست؟ این تفاوت‌ها چگونه بر احکام قضایی و تضمین حقوق شهروندی تأثیر می‌گذارند؟ آیا امکان همسویی بین این دو رویکرد در سطح ملی و فراملی وجود دارد؟ ضرورت تحقیق، ابهام در تعریف جرایم سیاسی، عدم شفافیت در مرز بین جرم سیاسی و امنیتی در ایران و تناقضات آن با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند در نظر گرفته شود. چالش‌هایی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، تأثیر ذهنی‌گرایی بر افزایش محکومیت‌های مبتنی بر تفسیرهای ایدئولوژیک (مانند پرونده‌های فعالان مدنی) و اهمیت تطبیق‌پذیری، لزوم بررسی امکان اصلاح قوانین داخلی برای کاهش تعارض با حقوق بین‌الملل است.

جرایم سیاسی در نظام حقوقی ایران همواره یکی از موضوعات چالش‌برانگیز بوده است. قانون اساسی ایران در اصل ۱۶۸ به جرایم سیاسی اشاره کرده و بیان داشته که رسیدگی به این جرایم باید در دادگاه‌های علنی و با حضور هیأت منصفه صورت گیرد. با وجود این تأکید، تعریف مشخصی از جرم سیاسی ارائه نشده و همین

موضوع، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، موجب تفسیرهای گوناگون و چالش‌های عملی شده است. در حقوق ایران، مطالعاتی مانند پژوهش شریعتی بر نقش فقه در ذهنی‌گرایی جرایم سیاسی تأکید کرده‌اند (Shamaee et al., 2023). در کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و آلمان، جرایم سیاسی به‌صورت مشخص تعریف شده‌اند و رویکردهای عینی‌گرا و ذهنی‌گرا در این زمینه به کار گرفته می‌شوند. کشورهای با نظام‌های حقوقی لیبرال بیشتر به انگیزه سیاسی مجرم توجه دارند (دیدگاه ذهنی‌گرایی)، در حالی که برخی کشورها مانند روسیه به ماهیت و اثر مجرمانه عمل اهمیت می‌دهند (عینی‌گرایی). در حقوق بین‌الملل، تحقیقاتی نظیر کار مک‌دونالد، عینی‌گرایی در دیوان کیفری بین‌المللی را تحلیل نموده‌اند (Rezaoghli et al., 2020). خلاصه پژوهشی: اکثر مطالعات موجود به‌صورت تک‌بعدی به یکی از دو رویکرد پرداخته‌اند، در حالی که این پژوهش به تحلیل تعامل این دو در سطح تطبیقی می‌پردازد. این پژوهش با روش تطبیقی-تحلیلی و با تمرکز بر دو سطح حقوق ایران و حقوق بین‌الملل انجام می‌شود. این پژوهش تلاش دارد ضمن بررسی تطبیقی بین رویکردهای عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی، جایگاه این دو در نظام حقوقی ایران و برخی نظام‌های حقوقی دیگر را تحلیل کند و مسیری برای دستیابی به تعریفی جامع‌تر از جرم سیاسی ارائه دهد.

مفاهیم

عینی‌گرایی:

این دیدگاه بر واقعیت‌های ملموس، شواهد قابل مشاهده و شرایط واقعی تأکید دارد و معتقد است حقوق بین‌الملل باید بر اساس حقایق عینی و شواهد موجود تعریف و اجرا شود. از نظر طرفداران عینی‌گرایی، جرایم سیاسی باید بر مبنای نتایج عمل (مانند تأثیرات اجتماعی یا سیاسی) تحلیل شوند، نه بر اساس انگیزه یا نیت مرتکب. به عبارت دیگر، رفتار و پیامدهای آن به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری در نظام حقوقی قرار می‌گیرد. این رویکرد،

استانداردهای جهانی و معیارهای قابل اندازه‌گیری را برجسته می‌کند (Murphy, 2005).

ذهنی‌گرایی:

در این رویکرد، تمرکز بر انگیزه‌ها، نیت و باورهای فردی یا جمعی قرار دارد. ذهنی‌گرایی عقیده دارد که رفتارهای سیاسی باید با توجه به نیت افراد و زمینه ایدئولوژیک آن‌ها بررسی شود. به‌عنوان مثال، گروهی ممکن است عملی را به‌عنوان مقاومت مشروع بشناسند، در حالی که همان عمل توسط دولت، تحت قوانین سرکوب، به‌عنوان جرم سیاسی شناسایی شود. این دیدگاه، تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و روانی را در تفسیر جرایم دخیل می‌داند (Shamaee et al., 2023).

تحلیل جرایم سیاسی عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی از منظر حقوق بین‌الملل

جرایم سیاسی پدیده‌ای هستند که تحت تأثیر ایدئولوژی‌های مختلف، جایگاه متفاوتی پیدا می‌کنند. این جرایم به دو دسته عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی تقسیم شده و هر کدام از این رویکردها، تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیک، در نظام‌های مختلف حقوقی و سیاسی کاربرد خاصی دارند.

رویکرد عینی‌گرایی به جرایم سیاسی

عینی‌گرایی معتقد است که جرایم سیاسی باید به‌صورت بی‌طرفانه و بر اساس شواهد عینی بررسی شوند. در این چارچوب، رفتارهای سیاسی که به‌طور مستقیم نظم عمومی جامعه را تهدید می‌کنند، به‌عنوان جرم شناخته می‌شوند. این رویکرد در جوامعی با ساختار حقوقی مستحکم، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. عینی‌گرایی همچنین تأکید می‌کند که اقدامات قانونی باید بدون پیش‌داوری و بر پایه واقعیت‌های قابل مشاهده صورت گیرد (Soltanfar et al., 2017).

رویکرد ذهنی‌گرایی به جرایم سیاسی

این رویکرد معمولاً در جوامعی با سنت‌های حقوقی منعطف‌تر برجسته می‌شود. ذهنی‌گرایی اظهار دارد که انگیزه‌ها و باورهای افراد در ارتکاب جرایم سیاسی باید در نظر گرفته شود. برای مثال، فردی که به دلیل مخالفت با اقتدارگرایی دست به اقدام سیاسی می‌زند، ممکن است تحت شرایط خاص قربانی ظلم تلقی شود و جرم او به‌عنوان مقاومت مشروع تفسیر گردد. در این چارچوب، نظام حقوقی باید به تحلیل زمینه‌های فرهنگی و تاریخی عمل بپردازد (Soltanfar et al., 2017).

جرایم سیاسی عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی از منظر حقوق ایران

جرایم سیاسی از منظر عینی‌گرایی در حقوق ایران

عینی‌گرایی بر واقعیت‌های ملموس و شواهد خارجی پیرامون وقوع یک جرم سیاسی تأکید دارد. این رویکرد فرض می‌کند جرایم سیاسی بر اساس اثرات بیرونی قابل مشاهده تعریف می‌شوند، مانند تأثیر این جرایم بر نظم عمومی و نهادهای حکومتی.

نقش قوانین: در حقوق ایران، بررسی و رسیدگی به جرایم سیاسی غالباً با استفاده از شواهد و مدارک مستند انجام می‌شود. برای اثبات وقوع جرم، شواهد ملموس و اطلاعات قابل مشاهده مانند مدارک کتبی، گفت‌وگوهای ثبت‌شده و شواهد مادی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مصادیق: به‌عنوان مثال، اقداماتی که به تهدید مستقیم علیه امنیت ملی ایران، یا بی‌ثباتی سیاسی منجر شوند، مستقیماً به‌عنوان جرم سیاسی شناخته می‌شوند و پاسخی قانونی بر اساس نتایج عینی دریافت می‌کنند. این رویکرد ممکن است در برخی موارد به نفع متهم عمل کند؛ به این دلیل که در صورت وجود نداشتن شواهد قوی، پرونده می‌تواند منجر به برائت شود.

چالش‌ها: یکی از چالش‌های حقوق ایران در این زمینه، نبود تعریف کاملاً یکسان و جامع از جرایم سیاسی است که باعث

اختلاف در تحلیل و برقراری عدالت در برخی پرونده‌ها می‌شود
(Rezaoghli et al., 2020).

جدول ۱. مزایا و معایب عینی‌گرایی در جرایم سیاسی

| مزایا | معایب |
|--|--|
| تأکید بر حقوق فردی و آزادی‌های اساسی | نادیده گرفتن برخی انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی |
| رویکرد سیستماتیک و واقع‌گرایانه در تحلیل جرایم | سخت‌گیری بیش از حد در ارزیابی مسئولیت‌ها |
| ترجیح حقایق عینی بر تفسیرهای ذهنی و شخصی | بی‌توجهی به تأثیر فشارهای خارجی و محیطی |

عوامل محیطی و اجتماعی و دلایل احتمالی اقدام او مورد توجه قرار گیرد.

نقش قوانین: در این رویکرد، تحلیل نیت فرد به مقامات قضایی کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری بهتری در ارتباط با ماهیت جرم و تعیین مجازات داشته باشند. به‌عنوان مثال، اگر نیت مجرم به‌عنوان بخشی از مبارزه برای حقوق مشروع در نظر گرفته شود، احتمال دارد که مجازات کاهش یابد.

مصادیق: این رویکرد برای درک بهتر جرایم سیاسی در ایران اهمیت دارد، زیرا انگیزه‌های متنوعی مانند نارضایتی از حکومت، اصلاحات اجتماعی و سیاسی، یا اعتراض به محدودیت‌های اجتماعی ممکن است پشت یک عمل سیاسی وجود داشته باشند. سازوکار عملی: ذهنی‌گرایی در رسیدگی‌های قضایی به شناخت انگیزه‌های متهم کمک می‌کند تا اعمال وی در چارچوب جنایات صرفاً فردی یا اهداف کلان‌تر مورد طبقه‌بندی قرار گیرد. این تجزیه و تحلیل ممکن است به شناسایی اشتباهات قضایی و رعایت انصاف در صدور حکم کمک کند (Shahcheragh et al., 2022).

چالش‌ها در کاربرد عینی‌گرایی در جرایم سیاسی

چالش‌هایی در اعمال این رویکرد وجود دارد:

بی‌توجهی به انگیزه‌ها: گرچه تمرکز بر حقایق عینی و تأثیرات اعمال، مزایای زیادی دارد، این رویکرد امکان دارد دلایل انگیزشی یا سیاسی که به یک جرم منجر شده‌اند را نادیده بگیرد.

عدم انعطاف در تحلیل اعمال: تأکید بیش از حد بر حقایق عینی می‌تواند باعث شود که تأثیرات خاص فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی کمتر مورد توجه قرار گیرد (McLemee, 1999).

کاربرد عملی: عینی‌گرایی می‌تواند برای تحلیل جرایمی که تأثیرات واضح و ملموس اجتماعی دارند (مانند فساد سیاسی، خشونت‌های سازمان‌یافته و ...) مفید باشد.

توصیه به ترکیب با رویکرد ذهنی‌گرایانه: در جرایم سیاسی که انگیزه‌ها و شرایط فرهنگی-اجتماعی مهم هستند، ترکیب عینی‌گرایی با ذهنی‌گرایی ممکن است به تفسیر جامع‌تر و دقیق‌تر منجر شود.

جرایم سیاسی از منظر ذهنی‌گرایی در حقوق ایران

ذهنی‌گرایی بر شناخت انگیزه‌ها و نیت مرتکب جرم متمرکز است و بر این باور است که باید تمامی وجوه ذهنی و روانی فرد مجرم،

جدول ۲. مزایا و معایب ذهنی‌گرایی در جرایم سیاسی

| مزایا | معایب |
|--|---|
| توجه به جنبه‌های انسانی و انگیزه‌های سیاسی فرد | امکان تضعیف نظام عدالت کیفری با تمرکز صرف بر نیت‌ها و نادیده گرفتن نتایج عملی |
| بازتاب تنوع دیدگاه‌ها در نظام‌های اجتماعی مختلف | دشواری در تعیین معیارهای ثابت برای قضاوت |
| شناسایی فشارها و شرایط اجتماعی-سیاسی که بر ارتکاب جرم اثر گذاشته‌اند | احتمال وجود تفسیرهای متفاوت در شرایط مختلف |

معیارهای عینی قابل ارزیابی باشد. عینی‌گرایی در این زمینه بر پایه اصول کلی و شناخت‌پذیری مستقل از ذهن فرد شکل گرفته است و تحت تأثیر تفکرات فلسفه مشایی و واقع‌گرایی در حقوق اسلامی است (Gholami et al., 2018).

پشتوانه فرهنگی و مذهبی

ایران، به‌عنوان کشوری با سابقه تاریخی و مذهبی طولانی، شاهد تعامل و تضاد بین ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی بوده است. عرفان اسلامی، تأکید ویژه‌ای بر تجربه‌های فردی و درونی دارد و اغلب با ذهنی‌گرایی هم‌خوانی دارد. در مقابل، فلسفه اسلامی، مانند تفکرات ابن‌سینا، بر اصل وجودیت مستقل از ذهن ارجح می‌گذارد و عینی‌بوده است. این تناقض در تاریخ تفکر ایرانی، بر پایه تعامل میان فلسفه اشراقی و مشایی، قابل مشاهده است.

تأثیرات اجتماعی و سیاسی

ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی هر دو به‌طور ایدئولوژیک در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران تأثیرگذار بوده‌اند. ذهنی‌گرایی، بیشتر با جنبه‌های ایدئولوژیک نظام‌های سیاسی که بر قدرت باور و تجربه فردی تأکید دارند، پیوند خورده است. در مقابل، عینی‌گرایی در برنامه‌های مدرن‌سازی کشور و طرح‌های علمی نمود داشته است که هدف آن‌ها ایجاد چارچوب‌های جهانی و مستقل از تفکر فردی بوده است. ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی در ایران، تحت تأثیر فلسفه، عرفان، قانون و سیاست، به شیوه‌های مختلف پدیدار شده‌اند و هر یک به‌عنوان ابزاری ایدئولوژیک در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نقش بازی کرده‌اند.

تعامل و نزاع میان ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی

در ایران، این دو رویکرد همیشه در حال رقابت هستند، اما گاهی نیز مکمل یکدیگر بوده‌اند:

نزاع: انقلاب اسلامی عمدتاً فضایی ذهنی‌گرایانه بر سیستم حکومتی غالب کرد و تفاسیر فردی از شریعت و قانون بر قوانین

ذهنی‌گرایی در جرایم سیاسی کاربردهای مشخصی دارد؛ برای مثال، در جرایمی که انگیزه اصلی، معارضة با یک نظام سیاسی یا تحقق آزادی‌های مدنی است، تحلیل ذهنی‌گرایانه می‌تواند ارزشمند باشد. اما پیشنهاد می‌شود از ترکیبی از رویکرد ذهنی‌گرایانه و عینی‌گرایانه برای تعادل میان انگیزه‌ها و نتایج جرایم استفاده شود (Shahcheragh et al., 2022).

علت ایدئولوژیک ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی در ایران

مفاهیم ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی در زمینه‌های فکری، فرهنگی و ایدئولوژیک، به تفاوت میان تمرکز بر ادراکات و باورهای ذهنی فردی (ذهنی‌گرایی) و واقعیت‌ها و شواهد عینی خارج از ذهن (عینی‌گرایی) اشاره دارد. در ایران، این تفاوت‌ها به دلایل تاریخی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی برجسته شده و تأثیر عمیقی بر نظام فکری، اجتماعی و علمی این کشور دارد. در ادامه به دلایل اصلی این دو گرایش ایدئولوژیک می‌پردازیم:

نقش ذهنی‌گرایی در ادبیات ایران

ذهنی‌گرایی در ادبیات معاصر فارسی بر پایه تأکید بر آزادی شاعرانه و بیان فردیت در برابر قواعد اجتماعی شکل گرفته است. این دیدگاه، با تأکید بر تجربه‌های ذهنی و فردی، به‌ویژه در حوزه شعر، به‌عنوان ابزاری برای عبور از محدودیت‌های اجتماعی و بیان آزادانه مورد استفاده قرار گرفته است (Moshref & Mir- Yasel, 2017). این نگرش، انعکاس فلسفه‌ای است که تأثیر نگرش‌های عرفانی را در ادبیات ایرانی برجسته می‌کند، جایی که تجربه درونی و اشراقی به‌عنوان منبع اصلی کشف حقیقت مورد توجه بوده است (Gholami et al., 2018).

عینی‌گرایی در فلسفه و قانون ایران

عینی‌گرایی در ایران بیشتر در زمینه‌های علمی و حقوقی تأثیرگذار بوده است. برای مثال، در قانون جزایی اسلامی، موضوع جنون از منظر عینی‌گرایی بررسی می‌شود، به این معنا که مسئولیت کیفری تنها زمانی حذف می‌شود که اختلال در شناخت فرد، بر اساس

اجتماعی کمک کند. در این جوامع، تحلیل ایدئولوژیک جرایم سیاسی غالباً به همراه در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی خاص انجام می‌شود تا عدالت کامل تر برقرار گردد (Soltanfar et al., 2017).

تعامل و تأثیر دو رویکرد (عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی) در حقوق ایران

تصمیم‌گیری قضات:

در حقوق ایران معمولاً از ترکیبی از دو رویکرد عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی استفاده می‌شود. قضات، به‌ویژه در جرایم سیاسی، با دو هدف مواجه‌اند:

- تأمین امنیت ملی و حفظ نظم عمومی (بر اساس عینی‌گرایی).
- شناخت ماهیت و نیت مجرم برای برقراری عدالت (بر اساس ذهنی‌گرایی).

تأثیر فرهنگی و اجتماعی:

حقوق ایران، به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص، نیازمند ترکیب این دو رویکرد است. در بسیاری از موارد، تفسیر عینی بر پایه شواهد نمی‌تواند تصویر کاملی از ماجرای وقوع جرم را نشان دهد. در چنین حالتی، تحلیل ذهنی برای درک بهتر جرایم سیاسی ضروری می‌شود.

چالش‌ها:

با وجود این ترکیب، برخی چالش‌ها همچنان وجود دارند؛ مانند فشارهای سیاسی که می‌تواند تفسیر دقیق نیت و نیز جمع‌آوری شواهد عینی را تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین، نبود قوانین روشن و جامع درباره طبقه‌بندی جرایم سیاسی، منجر به اختلاف در رویکردهای حقوقی و قضایی شده است (Rezaoghli et al., 2020).

عینی‌پیشی گرفت. این مسئله باعث تنش‌هایی در سیاست داخلی و نحوه مدیریت نظام سیاسی شد.

تعامل: در دوران معاصر، رشد رسانه‌های دیجیتال و تبادل فرهنگی با جهان باعث توجه بیشتری به ترکیب روش‌های ذهنی و عینی شده است، به‌خصوص در تعامل میان سنت و مدرنیته (Kurzman, 2004). ایران همچنان به مقابله با این دو دیدگاه

ادامه می‌دهد، با این حال:

➤ فرصت‌ها:

فضای بازتر برای گفت‌وگوهای فلسفی، اجتماعی و سیاسی، امکان ترکیب بهتر ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی را فراهم می‌کند.

➤ چالش‌ها:

نیاز به قوانین شفاف‌تر و تعریف دقیق‌تر از اصول ذهنی و عینی در حکومت و سیاست‌گذاری همچنان احساس می‌شود. تحولات آینده ایدئولوژیک ایران، تحت تأثیر این تقابل تاریخی خواهد بود تا راه‌حل‌های سازگارتر و جامع‌تری برای مسائل بنیادین فراهم شود.

تأثیر ایدئولوژی بر اختلاف بین عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی

نقش ایدئولوژی در ذهنی‌گرایی

ایدئولوژی حاکمان می‌تواند بر تفسیر و اجرای قوانین عینی اثرگذار باشد. در دولت‌های اقتدارگرا، این مدل حقوقی غالباً استفاده می‌شود تا مخالفان سیاسی به‌عنوان تهدید برای نظم عمومی تلقی شوند. این استفاده ابزاری از عینی‌گرایی می‌تواند منجر به جرم‌انگاری گسترده و سرکوب آزادی‌های سیاسی شود (Soltanfar et al., 2017).

نقش ایدئولوژی در ذهنی‌گرایی

ذهنی‌گرایی، به‌ویژه در جوامعی که پذیرش فرهنگی و سیاسی نسبی دارند، می‌تواند به تقویت خودمختاری فرد و گروه‌های

جدول ۳. بررسی ایدئولوژیک ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی در جرایم سیاسی

| محور مقایسه | ذهنی‌گرایی | عینی‌گرایی |
|-----------------------|---|--|
| مبنای تعریف جرم سیاسی | قصد، انگیزه و باورهای شخصی مرتکب تعیین‌کننده است | عمل ارتكابی و آثار عینی و خارجی آن معیار اصلی هستند |
| ارزیابی مسئولیت کیفری | وضعیت ذهنی و شرایط درونی مرتکب (مانند انگیزه سیاسی) ملاک قرار می‌گیرد | این‌که رفتار انجام‌شده مصداق بارز اخلال در نظم سیاسی باشد، مهم است |
| تفسیر قوانین سیاسی | تأکید بر کیفیات ذهنی و نیت فرد در تحلیل جرم | تأکید بر هم‌سانی قانون با واقعیت‌های عینی جامعه |
| رویکرد به مجازات | امکان تخفیف یا تغییر مجازات بر اساس انگیزه و نیت | مجازات متناسب با شدت عمل انجام‌شده و تأثیر عینی آن |
| مزیت‌ها | حمایت از آزادی‌های فردی و سیاسی؛ امکان بررسی ابعاد انسانی‌تر | ایجاد ثبات و نظم؛ کاهش تفسیر به سلیقه شخصی |
| محدودیت‌ها | احتمال سوءاستفاده از انگیزه‌های ذهنی برای توجیه اعمال غیرقانونی | نادیده گرفتن شرایط خاص مجرم و انگیزه‌های شریف سیاسی |
| نمونه در قوانین ایران | ارجاع به «انگیزه اصلاحی» یا نیت سیاسی در تعیین جرم سیاسی | تأکید بر «عمل» بدون توجه به نیت در برخی مواد قانونی |

حقوق فردی، مسئولیت شخصی و عقلانیت می‌نگرد. در ادامه، جزئیات این تحلیل آمده است.

عینی‌گرایی، بر اساس فلسفه آیین رند، یک سیستم فلسفی است که بر عقلانیت، حقوق فردی، مسئولیت شخصی و دستیابی سازنده تأکید دارد. عینی‌گرایی معتقد است که:

➤ حکومت باید از افراد در برابر جرایم و تهدیدات خارجی محافظت کند.

➤ تحلیل جرایم بر اساس تأثیرات عملی و مطابقت اعمال با اصول عقلانی و حقوق فردی انجام می‌شود.

➤ هیچ توجیه جمعی یا گروهی برای رفتار مجرمانه قابل پذیرش نیست و اولویت با مسئولیت فردی است.

در زمینه جرایم سیاسی، این فلسفه می‌تواند بر ارزیابی تأثیرات اجتماعی اقدامات مجرمانه و میزان انطباق آن‌ها با قوانین و حقوق افراد تمرکز کند (Kelley, 2008).

تأثیر این دو رویکرد بر عدالت اجتماعی:

رویکردهای ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی تأثیرات متقابل و قابل توجهی بر مفهوم و اجرای عدالت اجتماعی دارند. هر یک از این دیدگاه‌ها شیوه‌های مختلفی را برای درک و تعریف عدالت اجتماعی ارائه می‌دهند که به شرح زیر است:

ذهنی‌گرایی و عدالت اجتماعی

در جرایم سیاسی، ذهنی‌گرایی معمولاً بر توجه به انگیزه‌های شریف یا نیت اصلاح‌طلبانه متهم (مانند انتقاد سازنده از حکومت) تأکید دارد، در حالی که عینی‌گرایی بیشتر بر تعریف دقیق مصداق جرم و آثار عینی آن در برهم‌زدن نظم سیاسی جامعه توجه می‌کند.

تحلیل ذهنی‌گرایی در جرایم سیاسی: تمرکز، تأثیرات مثبت و

چالش‌ها

ذهنی‌گرایی در تحلیل جرایم سیاسی به بررسی انگیزه‌ها، شرایط ذهنی و نیت افراد متهم به جرم سیاسی می‌پردازد. این رویکرد، به‌جای تمرکز صرف بر تبعات عینی اعمال، بر اساس تجربیات ذهنی و محیط سیاسی-اجتماعی فرد عمل می‌کند. در ادامه، بر اساس منابع مرتبط، جزئیات مزایا و چالش‌های این رویکرد توضیح داده شده است. ذهنی‌گرایی به تمایز بین انتخاب‌ها، نیت‌ها و باورهای ذهنی (حوزه ذهنی) در مقابل واقعیت‌های عینی و اثرات واقعی اعمال (حوزه عینی) اشاره دارد. این مفهوم در تحلیل جرایم سیاسی می‌تواند به توضیح انگیزه‌های فرد متهم و محیطی که او در آن تصمیم‌گیری کرده است کمک کند.

تحلیل عینی‌گرایی در جرایم سیاسی: تمرکز و تأثیرات

عینی‌گرایی به‌عنوان یک سیستم فلسفی به مسائل حقوقی، از جمله جرایم سیاسی، از منظر واقع‌گرایانه و بر اساس اصولی همچون

اهمیت حقوق بنیادین

عینی‌گرایان اعتقاد دارند که حقوق و الزامات اخلاقی خاصی برای همه انسان‌ها به‌طور برابر وجود دارد و این حقوق مستقل از هرگونه نظر یا تجربه فردی هستند.

چالش‌ها و محدودیت‌ها

برخی اصول عینی ممکن است واقعیت‌های خاص جوامع یا گروه‌های حاشیه‌نشین را نادیده بگیرند. دشواری در تعریف و توافق بر سر این‌که این اصول جهانی چه هستند و چه کسی حق دارد آن‌ها را تعیین کند (Kügler, 2024).

تعامل ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی در عدالت اجتماعی

تعامل این دو رویکرد در عدالت اجتماعی به‌وضوح در جنبش‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری‌ها مشاهده می‌شود:

جنبش‌های اجتماعی

این جنبش‌ها اغلب از تجربیات ذهنی افراد آسیب‌دیده برای حمایت از اصول عینی عدالت استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، جنبش‌هایی مانند حقوق مدنی یا برابری جنسیتی، هم تجربه‌های فردی نابرابری را مطرح می‌کنند و هم به تدوین قوانین جهانی و عادلانه‌تر می‌پردازند.

سیاست‌گذاری‌ها:

سیاست‌هایی که ترکیبی از اصول ذهنی و عینی را استفاده می‌کنند، می‌توانند ظرفیت اجرایی بیشتری داشته باشند. به‌طور مثال، شناخت تفاوت‌های فرهنگی جامعه با استفاده از ذهنی‌گرایی و سپس تدوین قوانینی بر اساس عینی‌گرایی می‌تواند عدالت اجتماعی را تقویت کند.

پیشنهادات برای تقویت عدالت اجتماعی با استفاده از هر دو

رویکرد

ترکیب ذهنی‌گرایی و عینی‌گرایی:

ذهنی‌گرایی معتقد است که مفاهیم عدالت و اخلاقیات به‌شدت به دیدگاه‌های فردی و زمینه‌های فرهنگی وابسته‌اند. از این منظر:

➤ تعریف عدالت اجتماعی متغیر و به تجربیات فردی بستگی دارد.

➤ عدالت می‌تواند از یک شخص یا جامعه به دیگری معانی متفاوتی داشته باشد.

➤ این دیدگاه تنوع و تفاوت‌های فرهنگی و شخصی را محترم می‌شمارد.

ارزش تقویت صداهای حاشیه‌نشین:

ذهنی‌گرایی به تجربیات و دیدگاه‌های افرادی که تحت تبعیض یا ستم قرار دارند وزن می‌دهد و آن‌ها را به‌عنوان بخشی از تعریف عدالت اجتماعی لحاظ می‌کند. این امر می‌تواند به فراگیر بودن عدالت اجتماعی و احترام به تنوع تجربه‌های انسانی کمک کند.

چالش‌ها و محدودیت‌ها: ممکن است منجر به نسبی‌گرایی اخلاقی شود، به‌طوری که هیچ استاندارد برای تعیین عدالت وجود نداشته باشد. تصمیم‌گیری‌ها ممکن است به تعارضات ناشی از دیدگاه‌های متفاوت و متضاد منجر شود (Kügler, 2024).

عینی‌گرایی و عدالت اجتماعی

عینی‌گرایی اعتقاد دارد که مفاهیم عدالت بر پایه اصولی جهانی و حقیقت‌های عینی بنا شده‌اند و مستقل از دیدگاه‌های فردی یا فرهنگی هستند. ویژگی‌های این رویکرد عبارت‌اند از:

تدوین استانداردهای جهانی

بر ایجاد اصول کلی و غیرقابل تغییر برای عدالت اجتماعی تأکید دارد که برای همه جوامع صادق باشد.

این اصول می‌توانند شامل حقوق بشر، آزادی‌های فردی و برابری اجتماعی باشند.

استفاده از تجربیات فردی و فرهنگی (ذهنی گرای) برای شکل‌دهی اصول جهانی عدالت (عینی گرای).

ایجاد اصول عینی منصف:

در حالی که عدالت بر استانداردهای جهانی استوار است، باید این استانداردها قابلیت انعطاف و تطبیق با شرایط خاص جوامع و گروه‌ها را داشته باشند. ذهنی گرای و عینی گرای هر دو به عدالت اجتماعی کمک می‌کنند، اما ترکیب این دو می‌تواند رویکردی جامع‌تر و عادلانه‌تر باشد، جایی که هم اصول کلی رعایت شوند و هم تجربیات فردی و فرهنگی در نظر گرفته شوند (Kügler, 2024).

نتیجه‌گیری

عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی دو رویکرد مکمل در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند که هر یک مزایا و چالش‌های خود را دارند. ترکیب این دو دیدگاه می‌تواند به ایجاد نظام حقوقی متعادل‌تری کمک کند که هم از واقعیت‌های اجتماعی حمایت کند و هم به تفاسیر ایدئولوژیک و پیچیدگی‌های فرهنگی احترام بگذارد. مطالعه جرایم سیاسی با استفاده از دو دیدگاه عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی، رویکردهای متفاوتی برای تحلیل و قضاوت این جرایم ارائه می‌دهد. در حقوق بین‌الملل، این مفاهیم اهمیت بسیاری دارند، زیرا استانداردهای جهانی، تعریف و مواجهه با جرایم سیاسی را تعیین می‌کنند. در حقوق ایران نیز، این جرایم بر اساس اصول مختلف، به‌ویژه محوریت امنیت ملی و ایدئولوژی سیاسی، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

عینی‌گرایی در حقوق بین‌الملل بر تأکید بر تعریف‌ها و اصول استاندارد و جهانی برای برخورد با جرایم سیاسی تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه: رویکرد عینی‌گرایی بر اساس تحلیل بی‌طرفانه و مستقل از نیت یا انگیزه‌های مرتکب است. جرایمی مثل تروریسم، خیانت و فتنه‌انگیزی به‌وسیله تعریف حقوقی معیاری بررسی و طبقه‌بندی می‌شوند. به‌عنوان مثال، اساسنامه رم دادگاه

بین‌المللی کیفری معیارهایی برای رسیدگی به جرایم سیاسی تعیین کرده که هدف آن ایجاد استاندارد جهانی برای مقابله با چنین جنایاتی است.

استانداردهای قانونی و عینی، برای تضمین عدالت و جلوگیری از سوگیری، قوانین بین‌المللی بر تعریف‌های دقیق و مستند مبتنی بر شواهد تأکید دارند. این ویژگی باعث می‌شود که رویکرد عینی‌گرا در محاکمه جرایم سیاسی یکپارچگی بیشتری ارائه دهد.

ذهنی‌گرایی در حقوق بین‌الملل بر انگیزه‌ها، نیت و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متمرکز است. ذهنی‌گرایی معتقد است که بررسی جرایم سیاسی بدون در نظر گرفتن انگیزه‌ها و اهداف مرتکبین ناقص است. این دیدگاه، به‌منظور فهم بهتر پیچیدگی‌های اقتصادی و سیاسی که منجر به جرایم شده‌اند، استفاده می‌شود.

به‌عنوان مثال، مخالفان یک رژیم ممکن است اقدامات خود را مقاومت علیه دیکتاتوری بدانند، در حالی که دولت آن را تروریسم سیاسی تعریف کند. بین این دو دیدگاه اختلاف نظر وجود دارد که ارتباطی با مفهوم ذهنی‌گرایی دارد. رسیدگی به انگیزه‌های مرتکبین می‌تواند به اعتلای روند آشتی اجتماعی و دستیابی به عدالت ترمیمی کمک کند، به‌خصوص در مواردی که جرایم سیاسی به دلایل اجتماعی یا تاریخی ارتکاب یافته‌اند.

در نظام حقوقی ایران، جرایم سیاسی تعریف و بررسی خاصی دارند که ترکیبی از دیدگاه‌های ذهنی و عینی است. بسیاری از جرایم سیاسی در ایران به‌عنوان تهدید علیه امنیت ملی تلقی می‌شوند، مانند محاربه و افساد فی‌الارض. این جرایم با تأکید بر نتایج عینی و تأثیری که بر جامعه می‌گذارند تعریف می‌شوند. سیستم قضایی ایران از ذهنی‌گرایی نیز تأثیر می‌گیرد، با تأکید بر این‌که انگیزه‌های ارتکاب جرم، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با اعتراضات سیاسی یا بیان نظرات مخالف، ممکن است بر تعریف و مجازات تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، برداشت‌های ذهنی و تفاسیر حاکمیت از جرایم مربوط به مخالفان سیاسی ممکن است به توجیه

پیشنهادی برای حقوق ایران آن است که افزایش شفافیت قانونی و اتکا به استانداردهای بین‌المللی می‌تواند توازن بهتری ایجاد کند. در نتیجه، تداوم تعامل میان این دو رویکرد، با حفظ اصول عینی و تحلیل انگیزه‌های ذهنی، می‌تواند موجب ارتقای عدالت در رسیدگی به جرایم سیاسی شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The study of political crimes has long occupied a contested and complex position within legal theory and practice, particularly due to its deep entanglement with ideological frameworks that shape both legal interpretation and enforcement. In contemporary legal discourse, two dominant paradigms—subjectivism and objectivism—offer competing yet complementary lenses through which political crimes may be understood. Subjectivism emphasizes the internal dimensions of conduct, such as intent, motivation, and ideological orientation, whereas objectivism focuses on observable behavior and its tangible consequences. The tension between these two paradigms becomes especially salient when examining the divergence between domestic legal systems, such as that of Iran, and international legal frameworks. In the Iranian legal system, the fusion of Islamic jurisprudence and statutory law has produced a tendency toward subjectivist interpretations, wherein political intent plays a decisive role in defining criminal liability. Conversely, international legal standards, particularly those embedded in global human rights instruments, tend to privilege objectivist criteria, emphasizing measurable actions and their effects on public order and societal stability. This dichotomy raises fundamental questions regarding the

نقض حقوق بشر منجر شود. بررسی جرایم سیاسی با استفاده از دو رویکرد عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی در حقوق بین‌الملل و ایران می‌تواند تصویری جامع‌تر ارائه دهد:

در حقوق بین‌الملل، رویکرد عینی‌گرا برای تضمین بی‌طرفی و عدالت در سطوح جهانی ضروری است. با این حال، در نظر گرفتن انگیزه‌های سیاسی و فرهنگی (ذهنی‌گرایی) می‌تواند زمینه‌ای برای عدالت ترمیمی فراهم کند.

در حقوق ایران، تأکید بیش از حد بر امنیت ملی می‌تواند به سوءاستفاده‌های دولتی و نقض حقوق بشر منجر شود.

consistency, fairness, and legitimacy of legal responses to political crimes across jurisdictions (Rezaoghli et al., 2020; Shahcheragh et al., 2022).

The conceptual foundations of subjectivism and objectivism are rooted in broader philosophical traditions that inform legal reasoning and normative judgments. Objectivism, as articulated in legal and philosophical scholarship, asserts that legal determinations should be grounded in empirically verifiable facts and external realities, thereby minimizing the influence of subjective bias and ideological predisposition. This approach aligns with natural law traditions that emphasize rationality and universality in legal norms (Kelley, 2008; Murphy, 2005). In contrast, subjectivism underscores the interpretive and context-dependent nature of human behavior, arguing that legal analysis must account for the intentions, beliefs, and socio-political contexts that shape individual actions. This perspective is particularly relevant in cases involving political dissent, resistance movements, or ideological opposition, where the same act may be construed as either criminal or legitimate depending on the underlying intent and contextual factors (Kurzman, 2004; Shamaee et al., 2023). The interplay between these paradigms reflects a broader epistemological debate concerning the nature

of truth, responsibility, and justice within legal systems, and highlights the challenges inherent in formulating universally applicable definitions of political crime.

Within the framework of international law, objectivism has gained prominence as a means of ensuring consistency, predictability, and fairness in the adjudication of political crimes. International legal institutions, including tribunals and courts, rely heavily on objective criteria such as the nature of the act, its impact on public order, and its conformity with established legal norms. This emphasis on observable conduct serves to limit the discretionary power of states and reduce the risk of politically motivated prosecutions, thereby safeguarding fundamental human rights and freedoms. However, critics argue that an overly rigid adherence to objectivist principles may overlook the complex socio-political dynamics that give rise to political actions, particularly in contexts characterized by oppression or authoritarian governance. In such cases, the failure to consider the motivations of individuals may result in unjust outcomes, as acts of legitimate resistance may be misclassified as criminal behavior (Kügler, 2024; Soltanfar et al., 2017). Consequently, the international legal order continues to grapple with the challenge of balancing objective standards with sensitivity to contextual and motivational factors.

In the Iranian legal context, the influence of subjectivism is evident in both legislative frameworks and judicial practices related to political crimes. The absence of a precise and universally accepted definition of political crime has led to a reliance on interpretive approaches that prioritize the perceived intent of the accused. This tendency is further reinforced by the integration of Islamic legal principles, which often place significant weight on moral and ideological considerations in the assessment of criminal responsibility. As a result, individuals engaged

in political activities may be subject to varying interpretations of their conduct, depending on the prevailing ideological climate and the discretion of judicial authorities. While this approach allows for a nuanced understanding of individual cases, it also introduces a degree of uncertainty and potential arbitrariness into the legal process. Moreover, the emphasis on intent may facilitate the expansion of criminal liability in cases where political motivations are inferred rather than explicitly demonstrated, raising concerns regarding the protection of civil liberties and the rule of law (Gholami et al., 2018; Shahcheragh et al., 2022). A comparative analysis of subjectivist and objectivist approaches reveals that each paradigm offers distinct advantages and limitations in the context of political crime. Objectivism contributes to legal clarity and consistency by establishing clear criteria for criminal liability, thereby enhancing the predictability of legal outcomes and strengthening the legitimacy of judicial decisions. It also aligns with international human rights standards, which emphasize the importance of protecting individuals from arbitrary or discriminatory treatment. However, its focus on external behavior may lead to an incomplete understanding of the moral and political dimensions of certain acts, particularly in cases involving dissent or resistance. Subjectivism, on the other hand, provides a more holistic framework for analyzing political crimes by incorporating the intentions and contextual factors that shape individual actions. This approach enables a more nuanced evaluation of cases and may facilitate the recognition of legitimate political expression. Nevertheless, its reliance on subjective interpretation can undermine legal certainty and open the door to inconsistent or ideologically driven judgments (McLemee, 1999; Moshref & Mir-Yasel, 2017).

In light of these considerations, the present study argues for the development of an

integrated approach that combines the strengths of both subjectivism and objectivism in the analysis of political crimes. Such an approach would involve the establishment of clear, objective criteria for defining criminal conduct, while also allowing for the consideration of intent and contextual factors in appropriate cases. By aligning domestic legal frameworks with international standards, particularly those related to human rights, it is possible to enhance the coherence and fairness of legal responses to political crimes. This harmonization would not only reduce discrepancies between national and international legal systems but also contribute to the protection of fundamental rights and the promotion of justice. Ultimately, the integration of subjectivist and objectivist perspectives offers a promising pathway toward resolving the conceptual and practical challenges associated with political crimes, and underscores the need for ongoing dialogue and reform in this critical area of law (Rezaoghli et al., 2020; Soltanfar et al., 2017).

References

- Gholami, N.-A., Abbasi, M., & Soltani Kouhbenani, S. (2018). The Concept of Insanity in the Islamic Penal Code; Subjectivity or Methodicalness. *Medical Law Journal*, 12(44), 77-94. <http://clr.modares.ac.ir/article-20-103-fa.html>
- Kelley, D. (2008). Objectivism. In R. Hamowy (Ed.), *The Encyclopedia of Libertarianism* (pp. 363-364). Sage; Cato Institute. <https://doi.org/10.4135/9781412965811.n221>
- Kügler, P. (2024). Meaning Autonomy and Objective Meaning in Life. *Journal of Human Values*, 30(2), 150-159. <https://doi.org/10.1177/09716858231185619>
- Kurzman, C. (2004). Can Understanding Undermine Explanation? The Confused Experience of Revolution. *Philosophy of the Social Sciences*, 34(3), 328-351. <https://doi.org/10.1177/0048393104266687>
- McLemee, S. (1999). The Heirs Of Ayn Rand: Has Objectivism Gone Subjective? *Lingua Franca*, 9(6), 45-55.
- Moshref, M., & Mir-Yasel, K. (2017). Objectivism and Context in Contemporary Persian Poetry. *Social Sciences Canada*, 6(13), 72-75.
- Murphy, M. (2005). Natural law theory. In *Philosophy of Law and Legal Theory*. Blackwell.
- Rezaoghli, S., Fani, R., & Hadi, D. (2020). Political Crimes and Their Instances in Iranian Law and International Standards. *Journal of Political Sociology of Iran*, 3(4), 3064-3076.
- Shahcheragh, S. H., Hasani, M. H., & Zolfaghari, M. (2022). Critique and Review of Political Crimes in Iranian Law and Islamic Jurisprudence. *Journal of Political Sociology of Iran*, 5(11), 284-296. <https://doi.org/10.30510/psi.2022.333457.3236>
- Shamaee, M., Moallemi, K., & Shahanaghi, M. (2023). The Impact of Ideology on Criminal Legislation with an Approach to Modern Political Thoughts. *Interdisciplinary Studies in Jurisprudence*, 4(1), 25-53.
- Soltanfar, G., Shambiati, H., & Azmayesh, A. (2017). The Impact of Ideologies on the Expansion and Contraction of Criminal Law. *Iranian and International Comparative Legal Research*, 10(37), 93-144.